

وعده سرخرمن کروی به ظریف!

قانون محدودیت ورود به آمریکا اجرایی شد

صفحه ۲

شنبه ۲ بهمن ۱۳۹۴ | ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ | ۲۳ ژانویه ۲۰۱۶ | سال هشتم | شماره ۱۸۰۲ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



سرلشکر قاسم سلیمانی:

هزاران مدافع حرم آماده جانفشانی هستند

صفحه ۲

Sat.Jan.23.2016 | ISSN:2008-2886 | Vol.08 | No.1803 | VATAN-E-EMROOZ

۱۱۷۷ سال و ۳۴ روز گذشت

تیتراهای امروز

استقبال باشکوه و کم‌نظیر مردم شیراز از کاروان شهدای گمنام

پاسخ سرخ به دولت بنفش



صفحه ۲

هوای تهران همچنان ناسالم است

پایتخت روی موج آلودگی

صفحه ۴

همایون بهزادی درگذشت

آخرین پرواز سر طلابی

صفحه ۱۴

با شکست سنگین تیم امید ایران برابر ژاپن

رویای «ریو» پرپر شد

صفحه ۱۴

آزم آرزوست/ ۱۲

کوچکی نفس

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدسعید لواسانی * ■



یکی از جلوه‌های نفس که ریشه در جبین دارد، صفت ناپسندی است که از آن به کوچکی نفس تعبیر می‌شود، کوچکی روح. برخی دارای روح بزرگی هستند اما طایفه موازین عقل و نقل حرکت بزرگی هستند، اینها جاینگاران بزرگی هم می‌شوند. کسی چون هیتلر یا چنگیزخان دارای روحی بزرگ بودند اما دیگری هستند که دارای روحی بزرگوار هستند، در میدان‌های سخت شجاعانه وارد می‌شوند و از سختی‌ها و مشکلات هراسی به دل راه نمی‌دهند و تزلزل و اضطرابی در دل‌شان پیدا نمی‌شود و چون بر میزان عقل و شرع حرکت می‌کنند، همواره عقاقله گام برمی‌دارند. نمونه بارز آن حضرت امام خمینی است. اما برخی روحی کوچک و حقیر دارند. هرچه به آنان روی آورد، استقبال می‌کنند، در برابر زندگی دنیوی و واردات و خطورات شیطنی و نفسانی عاجز و منغل هستند. نتیجه چنین ویژگی‌های اضطراب دائمی قلب است. چنین فردی ذلیل است و مجبور است هر ذلتی را بپذیرد، به این دلیل اصلا نمی‌شود روی او در کارهای مهم حساب کرد. نکته مهم اینکه کوچکی نفس و ذلت را نباید با خضوع و خشوع در برابر خدا و اولیای الهی و قانون اشتباه گرفت. کوچکی نفس یعنی شکست‌دادن خود در برابر مسائل دنیوی؛ یعنی ذلت در برابر قدرتمندان، ثروتمندان و امثال آنها. دلیل آن هم طمع‌های دنیوی است. کسانی که طمع مالی دارند، مجبورند برابر صاحبان قدرت و ثروت سر خم کرده و خود را کوچک کنند و برابر آنان ذلیل و حقیر شوند. کسانی هم که می‌خواهند به مقام و موقعیتی برسند، خود را برابر هر کس که فکر می‌کنند می‌تواند به آنان یاری رساند، کوچک می‌کنند. شاید دیده باشیم کسانی را که به هر دری می‌زنند تا مشکل خود را حل کنند، به همه رو می‌اندازند و برابر هر کسی که فکر می‌کنند می‌تواند در حل مشکل آنان گامی بردارد، سر خم می‌کنند. اینها از ضعف نفس و روح ذلیل برمی‌خیزد. دلیل آن هم طمع‌های دنیوی است که تمامی ندارد. تعبیر روایات بسیار تند است. به چند روایت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام توجه فرمایید: «لذلل مَعَ الطَّمعِ؛ ذلت همرا با طمع است.» «أغرر الحکم: [الطَّمعُ أبداً ذَلِیلٌ؛ طمع کار ذلیل دائمی است.]» [همان]

ادامه در صفحه ۵

روزنه

«شترنج‌باز حرفه‌ای آن است که وقتی می‌خواهد دست به مهره بزند حداقل تا ۱۰ حرکت آینده‌اش را پیش‌بینی کرده باشد.» این ضرب‌المثلی است که هر کس می‌خواهد سیاست‌ورزی را توضیح دهد آن را به زبان می‌راند. اگر نتوانی سیاست‌ورزی عقلانی داشته باشی، یعنی وقتی در بازی سیاست رفتاری از تو سر بزند که از قبل بازنده باشی، بهترین رفتاری بهم ریختن زمین بازی است، بهم ریختنی که بسته به شخصیت متفاوت می‌تواند باشد، یک روز گوشه‌نشینی، یک روز لشکرکشی خیابانی و یک روز فحاشی و توهین به جریان‌های رقیب؛ در این بین البته می‌توانی انسانی باشی که از همه این پتانسیل‌ها برای نشان دادن ناتوانی سیاسی خود استفاده کنی! حال آنکه آنچه از این رهگذر به ناظر بیرونی منتقل کنی تنها یک شخصیت «جابلد سیاسی فحاشی» باشد!

تاریخ «عبرت» است برادر، «بزار» نیست

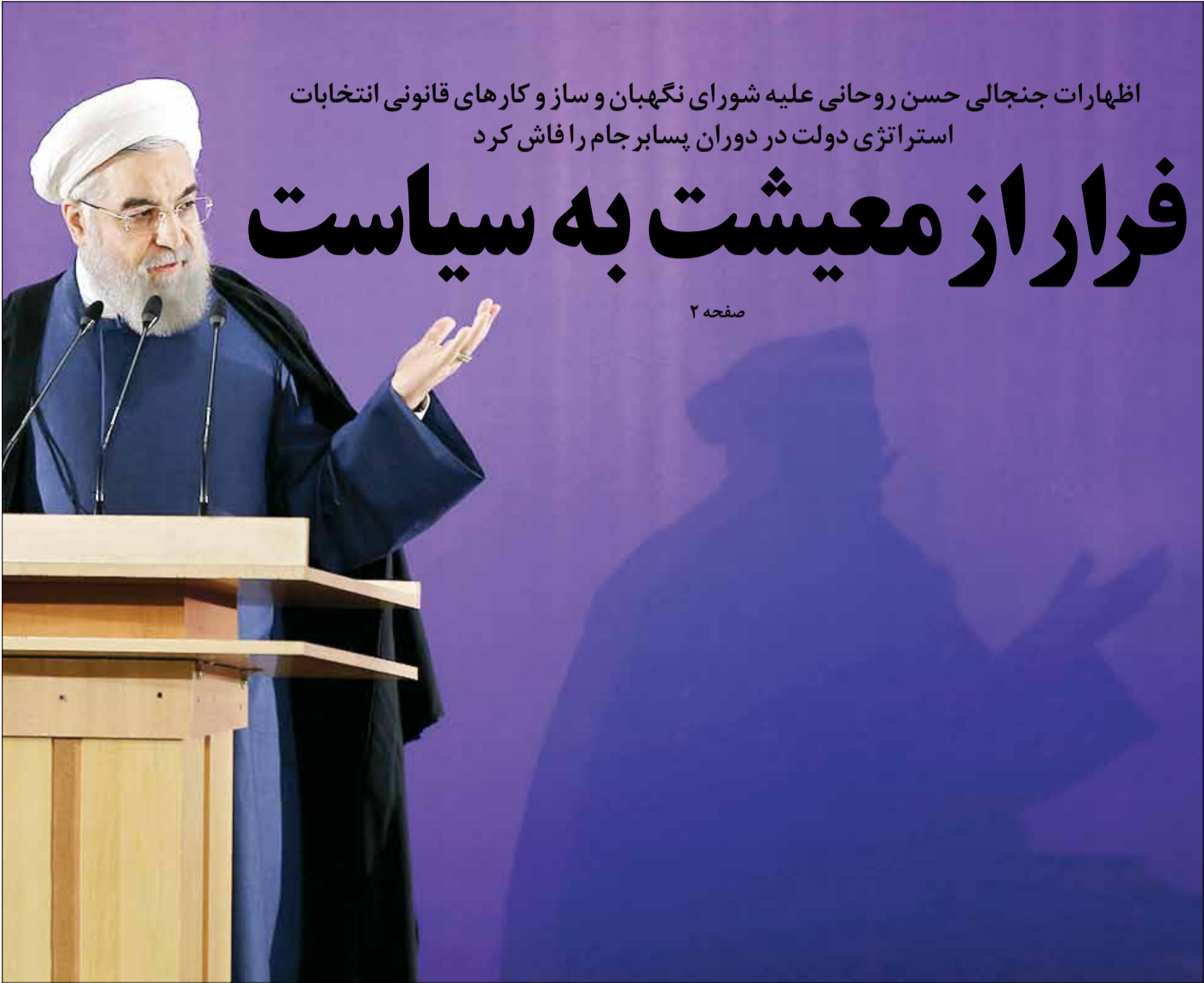
فرار از مطالبات معیشتی مردم؟

شاهد دیگری بر ماجرای «چگونه رئیس‌جمهور شدن» آقای روحانی است. ۲- ادعای انتخاباتی روحانی مبنی بر حل مشکلات در ۱۰۰ روز، به درازا می‌کشند، ۲۰۰ روز، ۳۰۰ روز و همین‌طور روزها می‌گذرد. نزدیک به ۹۰۰ روز، می‌گذرد. اتفاقاً برجام و حاصل مذاکرات ۹۰۰ روزه، ۴۰ روز پیش از انتخابات ۷ اسفند ۹۴ اجرایی می‌شود. دولت که بیش از ۲ سال است با «حلولوا، حلوا!» توافقی در ژنو و لوزان و وین و در نهایت برجام نتوانسته دهان ملت را شیرین کند، به روزهایی رسیده است که دیپلماسی، قیمت نفت را به زیر ۳۰ دلار رسانده است. دلایل فراوانی برای افت شدید قیمت نفت وجود دارد اما ناظران سیاسی و کارشناسان بین‌المللی در پاسخ به این سوال که منشا آغاز این کاهش قیمت کجاست نظرات قابل‌تاملی دارند؛ عربستان چرا توطئه کاهش قیمت نفت را علیه ایران اتخاذ کرد؟ این سیاست چرا دقیقاً در روزهای پیاپی‌روزی جان کروی و جواد ظریف و روزهای لوج بروز و ظهور همگرایی دولت یازدهم با غرب از سوی دولت سعودی اتخاذ می‌شود؟ و آیا دیپلماسی نمی‌توانست جلوی این فاجعه را بگیرد؟ ائتلاف ضدعاش به رهبری آمریکا، نمی‌توانست مقابل فروش نفت ارزان داعش از طریق ترکیه به اروپا را بگیرد؟ سیاست‌های غرب، در روزهای همگرایی دولت یازدهم با غرب تا چه اندازه به ایران خسارت وارد کرد؟ توافق نهایی (برجام) حتی در صورت اجرایی شدن خواهد توانست هزینه‌های وارد به کشور پس از کاهش شدید قیمت

سیاست تفحش

امیرعلی جهاندار ■

اولین شرط برای سیاست‌ورزی آن است که وقتی در بازی سیاست وارد می‌شوی باید قاعده بازی را قبول کنی و به آن قاعده ملتزم باشی! وقتی علیه نظام شورش کردی، نباید توقع داشته باشی آن نظام تو را برای تصمیم‌گیری در آن صالح بداند! و وقتی با یک عقبه وسیع از فساد اقتصادی، امنیتی، اخلاقی و سیاسی وارد بازی شدی نباید توقع داشته باشی تایید صلاحیت شوی! سال ۹۲ رهبر حکیم انقلاب پیش از برگزاری انتخابات با بیان این مساله که کسانی که به نظام اعتقادی هم ندارند در انتخابات شرکت کنند، یک پیام را برای جهان مخابره کردند و آن اینکه در ایران حتی کسانی که به نظام اعتقاد ندارند، نسبت به امانتداری این نظام در رأی‌شان اعتماد دارند. این



اظهارات جنجالی حسن روحانی علیه شورای نگهبان و ساز و کارهای قانونی انتخابات استراتژی دولت در دوران پسابرجام را فاش کرد

فرار از معیشت به سیاست

صفحه ۲

حسن(ع) و «صلح حدیبیه» را مستمسک قرار داده بود تا «دولت مذاکرات» را که «آب خوردن را نیز به دولت گره زده»، پیش ببرد، در نهایت با قراردادی شبیه هیچکدام از گزاره‌های تاریخی مورد اشاره نتوانست به «برجام» کنونی برسد. توافقی پراهمکام که حتی حالا که اجرایی شده است، قوانین کنگره با امضای اوپاما به راحتی می‌توانند آن را پذیرفت، چرا که برجام را فتح‌الفتوح می‌داند و نشان داده انتقاد به آن را بر نمی‌تابد. ۳- اظهارات و سیاست‌های اقتصادی منتهای توافق، در این ۹۰۰ روز، عموماً با انگاره‌های پوپولیستی همراه بوده است. از توزیع سیدکالا تا ادعای تورم صفر و عبور از رکود و نیز تخصیص وام ۲۵ میلیونی جهت خالی کردن انبارهای خودرو، هیچ کدام بروز و ظهور قابل‌قبولی در کلان اقتصاد نداشتند. دولت هم را نیز اگر به احتساب «حبیب مردم» حساب کنیم، آنچنان تغییری نکرده است. حالا که برجام اجرایی شده، انتظار افکار عمومی از دولت فزون‌تر نیز شده است. نشان به آن نشان که به‌رغم تبلیغات گسترده و حتی جشنی که تلویزیون به راه‌انداخت، استقبالی از نتیجه اجرای برجام نشد. کسی در خیابان‌ها ششادی نکرد و البته نواخته شدن زنگ اقتدار در مدارس هم، نه برای اولیا و نه برای مربیان، نان و آب نشد. به واقع حتی شادی‌های دولتی نیز تصنعی بود، چرا که به‌رغم ادعاهای پیشین نه از ابتدا تحریم مبنای باعث مشکلات بود و نه از این پس قرار است «فتح‌الفتوح» برجام معجزه کند! ۴- ادعای فتح‌الفتوح اما به همان روزهای آغازین و بعد از ژنوو بازمی‌گردد. دولت که برای توجیه مذاکرات از «کرپلا درس مذاکره بود» «صلح امام

تاریخ معیشتی قریب‌ترین است

یادداشت امروز

اصلاً چرا انتخابات برگزار کنیم؟!

حسین قدیانی ■

۵۶ روز مانده به عید، در شرایطی که ماه‌هاست نه چرخ سانس‌تریفیوژها می‌چرخد، نه چرخ بعضی کارخانه‌های بزرگ و نه چرخ اکثر کارگاه‌های تولیدی کوچک و در روزگاری که حتی مغازه‌داران نیز به علت کسساد بازار مجبورند اجناس خود را تا پاسی از شب، در فلان خیابان و بهمان پیاده‌رو به حراج بگذارند، بلکه لاقال کالای خود را ولو به قیمت ضرر بفروشند، زنده‌باد «دولت رکود» که در عیدی دادن زود هنگام به ملت رکورد زد؛ «سیاست و حرف» باورم هست عید زود هنگام دولت اعتدال به ملت است! نیست ملت از نظر «اقتصاد» تکمیل است، آقایان مدام «سیاست» به خورد ملت می‌دهند! و آنچنان غلیظ که می‌توان از آن به عیدی زود هنگام دولت رکود به ملت یاد کرد! منتهای مراتب و به عبارتی، حتی این را هم می‌توان گفت سلمنا! جمهوری اسلامی اصلاً برای چه انتخابات برگزار می‌کند اگر قرار است اصل دهبی تفکیک قوا به هیچ گرفته شود و بعضی‌ها توهم بزنند که مجلس و دستگاه قضا و شورای نگهبان و نیروهای مسلح و حتی کمیته جست‌وجوی ابدان مطهر شهدا و ملت شهیدپرور آماده برای ادای احترام به وفادارترین سربازان امام، طفلی قوه مجریه هستند؟! واقعا جمهوری اسلامی برای چه انتخابات برگزار می‌کند اگر قرار است فتنه‌گران علیه همین انتخابات، با تایید شورای نگهبان مواجه شوند و بشوند نامزد انتخاباتی که بارها و بارها لگد به ساز و کار آن زده‌اند؟! اگر قرار بود مجلس، نه باب دل قانون و نه باب دل رأی ملت، که باب دل بعضی‌ها تشکیل شود، چرا دیگر جمهوری اسلامی، این همه هزینه مادی و معنوی کند برای برگزاری انتخابات؟! عالیجنابان بفرمایند دوست دارند چه کسانانی وارد مجلس شوند، همان‌ها را هم بفرستند بهارستان! دیگر چرا انتخابات؟! واقعا اگر قرار بود بررسی صلاحیت نامزدها، بنا به دل فلان قوه باشد، چرا شورای نگهبان؟! چرا انتخابات؟! الحمدلله خوب موقعی ماه بهمن فرا رسید! اگر بنا بود انتخاباتی جز بستری غیر از قانون برگزار شود و مردمی جز رأی مردم باشد و اگر قرار بود آن‌طور باشد که خودشان نزدیک ۳۰ سال پیش گفته‌اند، یعنی طوری باشد که در نبود شورایی نگهبان، قوه مجریه بخواهد دیکتاتوری کند، اصلاً امام چرا انقلاب کرد؟! «جمهوری اسلامی اصلاً برای چه انتخابات برگزار می‌کند اگر قرار است...»

سوال خوبی است اما بهتر هم می‌شود اگر این سوال هم بدان اضافه شود: «جمهوری اسلامی اساساً برای چه تشکیل شد اگر قرار است مجری انتخابات، تکرار کننده همان حرف‌های دشمن انقلاب و حرف‌های ضدانقلاب علیه ناظر انتخابات باشد و به شورای نگهبان بد و بیراه بگوید که چرا فتنه‌گران علیه رأی جمهور را رد صلاحیت می‌کند؟!»

واقعا اگر قرار بود شورای نگهبان، قانون اساسی را همان‌طور تفسیر کند که مرضی رضای اصحاب فتنه و ضدانقلاب باشد و در این تفسیر، خدا را به نفع دوستان بی‌کفایت کدخدا بیچاند، اصلاً چرا روح‌الله آن هم به نام «الله» انقلاب کرد؟! واقعا اگر قرار بود قوه مجریه در مقام عمل- بخوانید مقام حرف-ا بدل به «قوه حرفیه» شود و علی‌الادام اقتصاد را قربانی سیاست- این را هم بخوانید سیاست‌بازی، که کاش سیاست-ا- کند، جمهوری اسلامی آیا بهتر نبود به جای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، خودش یک سخنران انتصاب می‌کرد؟! مگر آقایان مدعی نیستند تحریم‌ها بالکل لغو شده؟! خب! چرا باز سیاست را صدر اقتصاد می‌نشانند و این همه معیشت ملت را می‌پیچانند؟! به راستی از چه می‌ترسند؟! و از چه فرار می‌کنند؟! ما که حتی ناظر بر بعضی سخنان هم نوشتم، سلمنا، اما زبینه نیست آقایان، از فرط جایگزینی حرف به جای عمل، کاری کنند که ملت، این همه بی‌ارتباط با تیریکات دولت باشد! متأسفانه آقایان حتی سیاست و حرف زدن را هم از اینی که هست، بدنام‌تر کرده‌اند! حرف می‌زنند ای کاش حرف حساب، نه تکرار همان حرف‌های ۳۰ سال پیش دشمن علیه شورای نگهبان! حرف می‌زنند ای کاش حرف درست، نه علیه حرف درست ۳۰ سال پیش خود در دفاع از نهادهای قانونی!

ادامه در صفحه ۵